

سرزمین لافت، فرزند مرجان و تلو

روستای لافت در جزیره قشم بر صخره‌ای از مرجان‌ها استوار شده که نخستین دلیل پیدایش روستا بوده است. شیب صخره در لبه ساحل عمقی را ایجاد کرده که به‌طور طبیعی اسکله مناسبی برای پهلوگیری لنج‌های بزرگتر است. این ویژگی برای انتخاب مکان روستایی که اقتصاد آن بر پایه دریاست، کفایت می‌کند. صخره مرجانی زمین زیادی برای کشاورزی در اختیار ساکنان نمی‌گذارد. آنها نیز در انطباق حداکثری با طبیعت، از مزیت عمق آب در ساحل و امکان پهلوگیری لنج‌های بزرگتر، بهره می‌برند. بدین ترتیب لافت بندر مهم بازرگانی و ماهیگیری قشم می‌شود و مردمانش از کسب‌وکار پروتقی بهره می‌برند.

صخره مرجانی نه تنها زمین کشاورزی در دسترس ندارد، بلکه حتی عرصه‌ای مسطح برای خانه‌سازی نیز در اختیار نمی‌گذارد. از این رو خانه‌های لافت کوچک، و بافت روستا متراکم است. مالکان اما، سرخوش از ثروت ناشی از عمق آب در پای صخره مرجانی، معماری فاخری برپا کرده‌اند؛ به‌طوری که معماری لافت با بادگیرها و حیاط‌های مرکزی و مدیریت گردش هوا و جریان باد در اتاق‌ها و حیاط، نماد جزیره قشم و همپای معماری بوشهر و صنعا، یادآور خلیج فارس و دریای عمان است. این برتری نیز به برکت آن صخره مرجانی به دست آمده است. جنس سنگ مرجان با حفره‌های درون خود، ضمن مقاومت در برابر آب، همچون اسفنجی عمل می‌کند که لابلای سلول‌های خود انبارهای ریزی برای ذخیره آب دارد. این خاصیت علاوه بر وجود حفره‌های احتمالی زیرسطحی، بسان منبعی بی‌کران برای ذخیره آب عمل می‌کند. چنانچه میان صخره مرجانی با آب‌های شور دریا عاملی به‌عنوان حائل عمل کند که مانع از نشت آب شور به عمق صخره گردد و شاید اساسا جنس سنگ مرجانی این خاصیت را داشته باشد که نشت آب نداشته باشد و آنگاه می‌توان از ظرفیت حفره‌های درون سنگ برای ذخیره آب شیرین استفاده کرد. به‌نظر می‌رسد این همان کاری است که چاه‌های تلو در میانه صخره مرجانی و بر لبه بالایی بافت متراکم و یکپارچه روستا که بسان حدی غیرقابل خدشه و دست‌اندازی توسط فرهنگ دیرپای ساکنان حفاظت شده، صورت گرفته باشد.

یک‌سوم بالایی صخره مرجانی، منطقه آبخیز لافت است. باران‌های موسمی که بر صخره می‌ریزند، در میانه صخره درون گودال‌هایی که آبخوان روستا هستند و مصنوعا حفر شده‌اند به دام می‌افتند و همان‌جا از طریق بی‌شمار چاه‌های کوتاه و بلند به درون صخره مرجانی نفوذ می‌کنند و همان‌جا ذخیره می‌شوند. قدری از آن نیز پس از صاف شدن در حوضچه‌های آب‌انبار به داخل مخزن آن می‌ریزند تا برای استفاده زودرس در دسترس باشند. در گام اول چاه‌ها آب‌گیرهای روستا هستند، اما در ماه‌های گرم سال نقش عوض می‌کنند. آنها این‌بار چاه‌های آبد هستند که اهالی با سطل و طناب از آنها آب برمی‌دارند و تدریجا ذخایر حفره‌های ریز مرجان‌ها را به مظهر چاه هدایت می‌کنند.

نقش دوگانه آب‌گیری و آبدهی چاه‌های تلو آنها را در کنار صخره مرجان که عامل به‌وجود آورنده لافت بوده، به مهم‌ترین نمود منظر روستا بدل کرده است. می‌توان گفت که تشخیص روستای لافت وابسته به مرجان و تلو است. هر آنچه پس از آن از عکس‌ها و روایت‌های معماری روستا و هنر مردمان آن ظاهر می‌شود، به تبعات این دو سنگ‌بنای حیات و بقای روستاست. اگر آب‌شیرین‌کن‌ها بگذارند و این نظام را برهم زنند.

سیدامیر منصوری
amansoor@ut.ac.ir

ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

منصوری، سیدامیر. (۱۴۰۲). سرزمین لافت، فرزند مرجان و تلو. منظر، ۱۵(۶۲)، ۳.

DOI: 10.22034/MANZAR.2023.168707
URL: http://www.manzar-sj.com/article_168707.html

